

با نمایشگاه

لزوم تجدید نظر در برگزاری نمایشگاه



جلال ذکایی
کارشناس چاپ و نشر

● پیش‌بینی اینکه میزان فروش کتاب در نمایشگاه بین‌المللی‌کتاب تهران، مانند سال‌های قبل نباشد، دور از ذهن نبود. مساله گرانی کاغذ و کمبود تازه‌های حوزه نشر را نه فقط در کتاب فروشی‌ها بلکه در نمایشگاه کتاب اسمال هم شاهد هستیم. برهمن مینا اواخر سال گذشته در چندین گفت‌وویی که انجام دادم به این نکته اشاره کردم که پس از برگزاری نمایشگاه کتاب باید منتظر شرایط بحرانی نشر باشیم؛ چون طی این نمایشگاه ناشران آخرین موجودی خود را عرضه می‌کنند و تازه مشکلات جدی بعد از نمایشگاه نمایان خواهد شد. ضمن اینکه اگر از مشکلات حوزه نشر و گرانی کاغذ و کتاب بگذریم، یکی از مواردی که در نمایشگاه کتاب باید به آن توجه کرد، نحوه برگزاری خود نمایشگاه کتاب است، چون برگزاری نمایشگاه کتاب به هیچ عنوان منطقی نیست. در ذهن بیشتر مردم، نمایشگاه کتاب بیشتر از آنکه یک نمایشگاه باشد یک فروشگاه بزرگ است در حالی که قواعد یک فروشگاه هم در این رویداد رعایت نمی‌شود. وزارت ارشد برای سامان دادن به این موضوع و اینکه وضعیت کتاب را در نمایشگاها بهبود بخشد، درنظر داشت نمایشگاه‌های تخصصی را افزایش دهد تا با برگزاری کتاب تهران سبک شود و به سمت نمایشگاهی شدن برود. متأسفانه با توجه به تنگناهای مالی سال گذشته شاهد بودیم زمزمه تعطیلی برخی از نمایشگاه‌های تخصصی مثل نمایشگاه دانشگاهی و.. در سال جاری شنیده می‌شود و این خبر خیلی خوبی نیست، به باور من با توجه به این مشکلات، نمایشگاه کتاب تهران نیاز به یک بازنگری جدی دارد و باید روی خود برگزاری نمایشگاه هم به صورت جدی فکر شود و این سوال را پاسخ داد که اصلا برگزاری نمایشگاه کتاب با این شکل و شمایل منطقی است یا خیر؟ بنظر می‌رسد شرایط برگزاری نمایشگاه کتاب به گونه‌ای است که باید برای این رویداد تجدید نظر اصلی انجام شود تا شاهد برگزاری یک نمایشگاه واقعی باشیم.

ادامه از صفحه ۱۰

حاشیه‌ها انرژی‌ام را می‌گیرد

بعضی‌ها قصه‌هایشان را برایش می‌آورند. هنگام گفت‌وگوی حضوری می‌بینم که با چه طمطراقی آن‌ها تعریف می‌کنند. ولی وقتی قصه نوشته شده را می‌خوانم می‌بینم غلط است. کسی که نتوانسته انتخاب درستی روی قضائی داشته باشد، مانند این است که اگر شما اینشتین هم باشید نمی‌توانید برای مسائلی که در صورت مسأله‌اش اشتباه است راه‌حلی پیدا کنید. کسی ادعای کند کار گردان است ولی من نمی‌توانم با قصه‌اش ارتباط برقرار کنم و او که قرار است هدایت‌کننده باشد، خودش راه بلد نیست، قطعاً فیلمی که می‌سازد، با شکست «گیشه» مواجه خواهد شد. بخشی از عوالب کار به خودمان برمی‌گردد و قبول دارم تهیه‌کننده باید «سفر تا صد» قصه را بشناسد. تهیه‌کنندگی که کار را نشناسد، چطور می‌خواهد کار را جمع کند؟

آیا در کنار تان تیم مشاوره هم دارید؟

خیر. خودم به تنهایی تصمیم می‌گیرم.

چرا کم کار می‌کنید؟

این طور نیست که نخواهم کار کنم. اما واقعا آنقدر حاشیه‌فیلم‌هایم زیاد است که انرژی‌ام را می‌گیرد. دیگر اینکه تعداد قصه‌هایی که مرا جذب کند زیاد نیستند و بعضی‌ها هم که جذبه می‌کنند، عبور دانشندان از پیچ‌خ‌خم اداری دشوار است. چون در حوزه فرهنگ تصمیمات کلیدی را احساسات می‌گیرند نه تعقل. برای عبور دادن این کارها به زمان نیاز داریم که طرف مقابل را قانع کنیم.

با نظر شما مسئول سینمایی آینده باید چه خصوصیاتی داشته باشد؟

باید آنقدر پیش‌توانه سیاسی- اداری داشته باشد که بتواند در مقابل جریانات تحمیلی بایستد. چون نماینده یک حاکمیت است و هر حاکمیت ملیفیفستی دارد که باید آن ملیفیفستی را به مقصد برساند. آقای شفق‌ری در گذشته چهار سال مشاور هنری رئیس‌جمهوری بودند. وقتی در سینما نقصانی پیش می‌آمد همه فکر می‌کردند اگر نتوانند از طریق دولت نهم آن را حل کنند، از طریق مشاور هنری رئیس‌جمهوری به نتیجه خواهند رسید. انصافا هم در جایی کمک‌کننده بود. فردی با این عقیه وقتی وارد کار شد، فکر کردم کار کردن با ایشان سهولت بیشتری دارد. وقتی در مسند معاونت نشست شعرهای زیبا و قشنگی داد و از زائرهای مختلفی دفاع کرد. اما در آن موقع یکی، دو تا از فیلم‌های من به مشکل برخورد. ولی فضای‌هایم هم که به ایشان آمد و را هم از مسیر خودش رها کرد. در این شرایط برای من دیگر روحیه‌ای باقی نماند که این راه را ادامه دهم. فیلمی که در بخش جشنواره منتخب مردم شده و در انجمن منتقدان و نویسندگان به عنوان بهترین فیلم معرفی شده، چرا باید تا این حد مهجور و دچار سختگیری اداری شود؟ چرا نباید روال طبیعی خود را طی کند؟ اگر من نه تهیه‌کننده در جایی اشتباه کرده باشم مردم استقبال نمی‌کنند و بزرگ‌ترین جرم‌هام این است که فیلمم با شکست در گیشه مواجه‌شود. از طرفی از سوی مردم انتخاب می‌شوم و جایزه می‌گیرم از سوی آن طرف سیستم دولتی مورد هجمه هستم یا بهتر نبود که فیلم در شرایط برابری با دیگر فیلم‌ها اکران می‌شد؟

هنر

تماشاخانه

شرط‌هایی برای کار کردن در تئاتر

شرط دارم. شرط هم این است که وقتی نمایشنامه‌ای را انتخاب می‌کنم و برای تصویب می‌فرستم و بعد نمایشنامه تأیید می‌شود و من تمرین را شروع می‌کنم، نیازی به تأیید و تصویب دوباره نباشد. برایم پذیرفته نیست که سه‌ماه با یک گروه تمرین کنم و بعدا هم کار ممیزی شود. وقتی بار اول به یک کار بله می‌گویند، برای من مسجل می‌شود که حتماً آن کار باید اجرا شود. لاقلاً ۲۵ماه زمان برای تمرین همه سال من انتخاب شدم و بسیار شکر می‌کنم از همه دست‌اندرکاران خانه تئاتر بابت این اتفاق. اما مدت‌های زیادی است که کاری روی صحنه نبرده‌ام و همه از من می‌پرسند که چرا کار نمی‌کنم؟ یا بعضی هم‌کاران قدیمی‌ام به من ایراد می‌گیرند که فلابی چِرا تئاتر کار نمی‌کنی؟ همیشه پاسخ‌م این بوده که من کار می‌کنم اما برایش بازی در یک تئاتر اعلام آدام‌گی می‌کند، نباید به موازات آن

شهلا ریاحی و جمشید مشایخی، شمع روشن کردند

دهمین جشن «روز بازیگر» تئاتری‌ها



دوره‌های قبلی از اعضای هیات‌مدیره انجمن بازیگران بوده‌اند را قرائت کرد. بیانیه انجمن بازیگران را «بهرام شامحمدلو» صدف بیانیه‌ای با مطلع «ما یکی هستیم» از سختی‌های تئاتر و حرفه بازیگری گفتند و در ۱۳ بند خواسته‌های خود را عنوان کردند. این ۱۳ بند در خواسته‌های تازه‌ای نبود. سال‌های قبل هم این درخواست‌ها بیان شده بود. صنف‌های دیگر هم خواسته بودند تا قرارداد اجرا بشود و حرفه بازیگری شغل شود و دستمزدها متناسب با تورم بالا برود و اختصاص بودجه‌ای متناسب با روز حداقل به اندازه کشوری چون قطر و تصویب آیین‌نامه‌ای برای عدم اعمال ممیزی سلیقه‌ای. تقدیر از بزرگان بخش دیگر این برنامه بود. اسمال «ژاله علو» که به خلاقیت‌های ذاتی خود بوده و تمام نقطه‌مطف تئاتر ما با بروز استعدادها و خلاقیت‌های ما بود که از نمایش تخت‌حوضی تا تئاتر جدید ساخته شد» او گفت: «خلاقیت‌های خود را

برنامه‌ریزی موفق و درست انجام شود، موفقیت‌های بعدی هم دور از دسترس نیست. اما برای درست‌شدن این روند، زمان لازم است. اکثر بازیگرها به این شیوه عادت کرده‌اند. اگر یک بازیگر بنا باشد سه، چهارماه روزی چند ساعت تمرین کند به دلیل عادتی که به شیوه قبل دارد، ممکن است تصور کند اینگونه وقت‌گذاشتن اصلا بیهوده است. البته به‌نظر می‌رسد گاهی معنی تمرین برای بازیگران حتی درست جا نیفتاده. برخی تازه سر تمرین متن را دست می‌گیرند و دیالوگ‌ها را حفظ می‌کنند. این شیوه درستی نیست. تمرین یعنی هر بازیگر در سایر فرصت‌های ورزش هم روی نقشش کار کند و بعد ماحصلش را در کنار گروه نشان دهد که البته همه اینها زمان‌بر است و سال‌ها زمان می‌برد تا این روند معیوب سامان یابد.

شهلا ریاحی و جمشید مشایخی، شمع روشن کردند

منوط به هیچ سازمان و نهادی نکنیم». اسماعیل شنگله بعد از دریافت جایزه‌اش اشاره به همیار داریوفو گروه «سعدی افشار» گفت: «روزگار قدیم حسی درون ما موج می‌زد که توان بیان آن را ندارم و باید تأکید کنم هرچه امروز داریم از لافزار است.»

با تقدیر از «سیروس حاجیلو» از کارمندان قدیمی تئاتر شهر، ایرج راز، بهزاد فراهانی و کاظم هزیرآزاد بخش اصلی مراسم یعنی اعلام برگزیدگان بازیگری سال ۹۱ آغاز شد. هیات داوران انجمن بازیگران در بخش بازیگری در میان زنان هیچ بازیگری را حایز دریافت رتبه سوم ندانست و جایزه دوم را به «هایلده حائری» برای ایفای نقش در نمایش مرغ سحر داد. «پاتنه اناهی‌ها» بازیگر ویتسک هم جایزه بهترین زن را دریافت کرد. در بخش مردان اما بیشترین جایزه به نمایش «ویتسک» رسید. «میر کرلایی‌زاده» در نظمیه زنان بازیگر سوم شد و «مرتضی اسماعیل‌کاشی» بازیگر ویتسک جایزه دوم را گرفت. بهترین گروه بازیگری هم گروه بازیگران عجایب‌المخلوقات شدند و جایزه‌این‌بخش به «مجید بهرامی» تحویل داده شد. اما بهترین جایزه اول مرد را «بابک حمیدیان» گرفت که از پای گِج گرفته و آسیب‌دیدگی کمر روی صحنه آمد و گفت: «در مقابل این همه درخت تانور تانور حرفی برای گفتن ندارد.» دو پیش‌پرده‌خوایی به نویسندگی و کارگردانی «افشین هاشمی» یکی از بخش‌های قابل‌توجه این مراسم بود. یکی از این دو پیش‌پرده «یک متنی داشتم سفارش» بود. در دستگاه ماهور بر اساس «یک خری داشتم خاکستری بود» و «همو ممیزی» بر وزن غم‌سوزی‌فروش. بادی درامیگ به کارگردانی سعید تهرانی و اجرای موسیقی توسط هومن جاوید هم از بخش‌های این شب بازیگر بود. بهار سال ۹۲ خورشیدی چراغ‌های جشن‌های تئاتر با عکس یادگاری اهالی تئاتر در سالن اصلی تئاتر شهر که دستگاه‌های سردکننداش نتوانست از گرمی حضور هنرمندان بکاهد به پایان رسید.

حراج کلکتورهای جوان در دوبی برپا شد

شرق: گالری بین‌المللی «پام» پانزدهمین «حراج کلکتورهای جوان» خود را اواسط اردیبهشت در دوبی برپا کرد. «پام» که این حراج را برای جذب کلکتورهای جوان طراحی و اجرا کرده بود آثاری از ندیم کرم، اما هاراک و حسن فزالی لبنانی، اسد اعرابی، اسنا فیومی، فاتح مدرس، غسان سیای‌سوری، سیدسلیم یمنی، نایری شاهینیان ارمنی، خالدبن سلیمان، نجا مهدوی‌تونسی، صادق الفرج عراقی و عبدالناصر غرام را به نمایش و فروش گذاشت. از ایران هم آثاری از افشین پیرهاشمی، نزار موسوی، احمد مرشاولو، منصور و کیلی، محمود سبزی، حامد صبحی، مجید کورنگ‌پهشتی، خسرو حسن‌زاده، امین باقری، بهمن جلالی، پرستو فروهر، کتایون کرمی، مهدی نبوی، فرزاد کهن، قدرت‌الله عقالی، جواد مدرسی، بهنام کامرانی، امیرنصر کم‌گویان، امید حلاج، سلمان متین‌فرو و رضوان صادق‌زاده در فهرست این حراج دیده می‌شد. طبق اعلام این موسسه و

گزارش روز

گران‌ترین‌های نمایشگاه کتاب

فردوسی همچنان جزو گران‌ترین کتاب‌هایی است که در نمایشگاه است. مجموعه تاریخ تمدن «ویل دورانت» که چاپ آن به‌تازگی پایان یافته و در حال حاضر زیرچاپ است اگر به نمایشگاه کتاب برسد قیمتی بالاتر از ۲۰۰ هزار تومان خواهد داشت. این مجموعه‌ای ۱۱جلدی با چهارده کتاب است که پیش از این ۱۰۰هزار تومان قیمت داشته است. مجموعه «سیری در هنر ایران» از تور پوپ که با قیمت ۴۰۰هزار تومان در دوره‌های پیشین جزو کتاب‌های گران قیمت بود، در حال حاضر در نمایشگاه نیست اما اگر چاپ جدید آن مانند تاریخ تمدن ویل دورانت به نمایشگاه برسد قیمتی معادل ۸۰۰هزار تومان خواهد داشت. چاپ ششم رمان «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» نوشته «مارسل پروست» با ترجمه مهدی محابی در نشر مرکز با قیمت ۹۶هزار تومان از گران‌ترین رمان‌های عرضه‌شده در بیست‌وششمین نمایشگاه کتاب است که با تخفیف نمایشگاه با قیمت ۱۶۶هزار تومان به فروش می‌رسد.

ادامه از صفحه ۷

نمی‌خواستیم معجزه‌ای رخ بدهد

آ خاتم‌مقید را هیچ‌گاه این‌گونه جلوی دوربین ندیده بودیم. هر چند صدایشان با خونه مادر بزرگه ماندگار شده. چطور شد که ایشان را برای نقش برف‌بری انتخاب کردید. می‌دانم که ایشان دوست نزدیک‌تان هستند.

بله. من ایشان را هم خیلی دوست دارم و هم به عنوان یک انسان کامل قبولشان دارم. فکر می‌کنم که یکی از بهترین کسانی است که در زندگی‌ام با او آشنا شدم. خیلی بی‌ادعا، ساده و بزرگوار است و به نظرم چیزهایی در شخصیتش دارد که قابل احترامند. یکی از این وجوهی که خیلی می‌پسندم باسواد بودن ایشان است و اینکه فارسی را خوب می‌داند و ادبیات خوبی دارد و با مطالعه است. اینکه وقتی می‌گویم این جمله را این‌طوری بگو یا از این کلمه رد شو، می‌فهمد و تفاوت آن را متوجه می‌شود. دیالوگ برای من خیلی مهم است. بعد هم اینکه هرچه فکر کردم چه کسی می‌تواند از عهده این‌ نقش بر بیاید، کس دیگری به ذهنم نمی‌رسید و خاتم‌مقید با اینکه با ایستادن جلوی دوربین مشکل داشت اما کم‌کم راه افتاد و در نهایت اجرای خوبی داشت.

آ انتخاب بازیگران شما یکی از نقاط قوت این کار است. هیچ‌گاه به دنبال ستاره نیستید اما هر کسی را که انتخاب می‌کنید، یکی از بهترین بازی‌هایشان را برای فیلم شما انجام می‌دهند.

منتشر کنم. من اهل انتخاب‌های ظاهری نیستم. مثلاً شما به سبزی‌ری توجه کنید. خانم مرتضوی به من می‌گفت سحر ولدبیگی، چقدر خوب از عهده این نقش برآمده و چقدر این نقش برای اجرا سخت بوده. آن‌همه سرخوشی و طراوت و سبکیالی که سبزی‌ری دارد و خاتم ولدبیگی به‌خوبی توانست آن را خلق کند و این خیلی سخت است چیزی را به وجود بیآوری که قبلاً نبوده است.

آ بله. اجرای سبزی‌ری متفاوت از کلیشه‌های رایج دختران جوان شاداب بود و این بسیار خوب است. در کل مرسوم شده است که دخترهای جوان و شاداب نقش‌های لوس و نر و کودکواره را بازی می‌کنند و خاتم‌ولدبیگی در این مدام نمی‌افتد.

بله. همه بازیگران به پرسوناژهای‌شان نزدیک شدند. البته نمی‌گویم کامل بودیم اما نهایت سعی و تلاشمان را کردیم و از زیر کار درتزیتم و به بیننده احترام گذاشتیم. بحثی در سال گذشته به‌وجود آمد که می‌خواستیم تا فرصتی باشد به آن جواب بدهم و فکر می‌کنم که اکنون فرصت مناسبی است. این جشنواره سیمما که من جزو داوران بخش سریال بودم یک عده از دوستان اعتراض کرده بودند که این چه جشنواره‌ای است که کنسای مثل مدیری و عطاران در آن نیستند. با اینکه به این افراد احترام می‌گذارم اما ضعف بزرگمان در کارهایی از این دست در تلویزیون است. این بوده که ساختار کارها متکی بر دیالوگ است. نمی‌شود کاری تصویربرداری، گریم، نور و دکور خوب نداشته باشد و تنها پرسوناژهای بازمز دیالوگ‌هایی را بگویند و بروند و ما در مجموع کار را موفق و ناشیسته به حساب بیاوریم. البته اینجا در بیانیه ما نوشته شده بود که متأسفانه با بیانیه‌های دیگر تلفیق شد و به گوش نرسید. باید به حسن زیبایی‌شناسی بیننده در تمام مواردی که تشکیل‌دهنده اثر است، توجه شود. کاری که در آب‌پریا انجام شد، این‌س بود که به همه چیز دقت شده و سهل‌انگاری در کار نبوده است. اگر ما در دآوری بخش سریال‌های جشنواره به بعضی از آثار توجه نکردیم به همین دلیل بود. مثلاً وقتی در کاری می‌گوییم دختری دانشجوست، این دانشجو بودن بالاخره در کلام، لباس، رفتار یا حتی اتاق پرسوناژ باید دیده شود. پرسوناژها باید همه چیزشان به هم بیاید و کامل باشند که متأسفانه توجهی به این مسائل نمی‌شود.

آ به نظر من این ضعف فیلمنامه‌نویسان است که

مدیوم تصویر را خوب نمی‌نمایانند.

نه همیشه این‌طور نیست. بیشتر مشکلات مربوط به تعجیل در تولید است. اینکه اهمیتی قابل نمی‌شوند که صحنه، گریم، لباس، نور و… هم به اندازه دیالوگ مهم هستند، اینجا در نظر گرفته نمی‌شوند. کار با دیالوگ‌ها و پرسوناژهایی که به نوعی طرفدار دارند پیش می‌رود.

آ پرسوناژها هم خیلی مهم هستند. یکی از نقاط قوت در آب‌پریا انتخاب پرسوناژهاست و اینکه در هر شهر بازیگران بومی همان شهر انتخاب می‌شوند. مثل خاتم در یامح و آقای مقیدی و نصر که متعلق به گیلان و یزد هستند. با آقای افشین هاشمی با سحر دولتشاهی که بازی زیادی ندارند اما در جای درستی قرار گرفته‌اند.

بله، چطور می‌شود به جای آقای مقیدی شخص دیگری را بیاورم. این کس‌کیفگی است. شما ببینید در این سن و سال چطور با پای برهنه در کویر می‌دوید و چه خوب بازی می‌کرد. در بخش کرمانشاه نتوانستم یک مرد مسن کرمانشاهی پیدا کنم و از آقای داشکر، دعوت کردم اما ایشان کر مهاباد است و من اشتباه کردم که فکر کردم چون ساختمان زبانشان نزدیک به هم است می‌تواند لهجه کرمانشاهی بگیرد اما نتوانست و در انجا هم باید بازیگر کرمانشاهی پیدا می‌کردم.

آ گرفتن لهجه دیگران کار آسانی نیست بازیگران زیادی این کار را می‌کنند اما مردم بومی به‌خوبی زبانی و حتی ناهنجاری این تقابل را متوجه می‌شوند. چون بازیگری که فقط زبان کلامی نیست، زبان بدن و رفتار هم هست.

بله. این طرز تفکر است، تفکر یک بزدی متفاوت است از تفکر یک منطقه دیگر. مثلاً چه کسی می‌توانست نقش «بی‌بی‌ممل» را بازی کند؟ خیلی از ما انرژی برد اما واقعا خودش بود.